

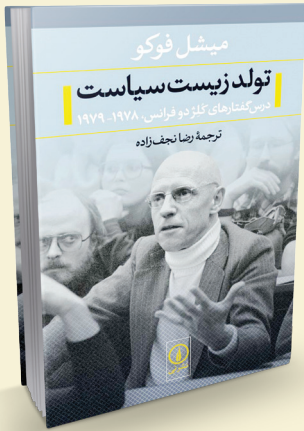
سامان دانشگاه با ایده‌های فلسفی

رضا محوزی ما برای سامان دادن به دانشگاه‌های مان نیازمند ایده‌های فلسفی و نظری برای دانشگاه هستیم؛ ایده‌هایی که ما را در این تاریکی و آشفته‌گی راهنمایی می‌کنند. این ایده‌ها می‌توانند اخلاق دانشگاهی را بسیار بنیاد ا‌تر از قوانین معمولی‌ای که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند، ترسیم کنند. انتحال‌های متعدد و متنوع استادان و کتاب‌سازی‌های عده‌ای که در جست‌وجوی نام، نان و شهرت هستند در فقدان همین شرایط فاقد ایده دانشگاه روی می‌دهند و دوام می‌یابند.



کتاب‌نامه

تولد زیست سیاست به روایت فوکو



کتاب «تولد زیست سیاست؛ درس گفتارهای گُلز دو فرانس» اثر میشل فوکو با ترجمه «رضا نجف‌زاده» توسط نشر نی به چاپ هفتم رسید. انتشار متن فرانسوی درس‌های کلژ دو فرانس ظاهراً برای نخستین بار در سال ۱۹۹۹ از سوی انتشارات گالیلار آغاز شد. انتشار متن انگلیسی آنها نیز چند سال بعد به قلم مترجمان مختلف، ازجمله گراهام برچل و دیوید ماسی، آغاز شد. تبارشناسی یا آنالیتیکس قدرت به کارگرفته‌شده در این درس‌ها، هیچ میدانی را از حفاری‌های زیر و رو کننده‌اش مستثنی نمی‌کند: امنیت، استعمار، ملیت، نژاد و عقبه قومی، روابط جنسی، تربیت و پایش کودکان، جنون و اختلال روانی، سوپر‌کنیونته، حقیقت‌مندی، فاشیسم، لیبرالیسم‌های اروپایی و آمریکایی، دولت و ترفندهای مراقبت از اتباع، کنترل مولید، کشتن و زنده گذاشتن، فرمایسون سرمایه‌داری، تنبیه و کیفر و جنگ خود مدل جامعه انسان‌هایی است که روابطی جنگ‌آسا دارند. ...

زیست‌قدرت فوکویی، عبارت است از سیطره قدرت بر زندگی. مقصود از زیست‌قدرت، دستیابی قدرت به انسان به منزله موجودی زنده است، به‌طوری که امر زیستی زیر کنترل دولت قرار گرفته و دست‌کم، گرایش‌بی به کنترل دولتی امر زیستی به‌وجودآمده است. این یکی از اساسی‌ترین پدیده‌هایی است که فوکو شکل‌هایی از آن را در قرن ۱۹ و در میان‌برده‌های ظلمانی قرن طلواتی بیستم، در استالینیسیم و فاشیسم، می‌نماید. درمورد میزان وفاداری جورجو آگامبن، آنتونیو نگرى، مایکل هارت، پل رابینو، دانا هاراوی، پاسکوتاله پاسکونیو، آلبرتو توسکانو، ویلیام کونولی و طیف وسیعی از اندیشمندان این نسل به میشل فوکو، بر پایه درس گفتارهای مربوط به زیست‌قدرت و زیست‌سیاست بهتر می‌توان داوری کرد.

گفتنی است، درس گفتارهای فوکو مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و درس‌های اواز اوایل دهه ۱۹۷۰ را شامل می‌شود. درس‌هایی که در موسسه کلژ دو فرانس (کالج فرانسه) و دانشگاه‌ها و موسسه‌های آمریکای شمالی ارائه شده است. این مجموعه «تولد زیست سیاست» برای نخستین‌بار در سال ۲۰۰۴ به زبان فرانسه از سوی انتشارات گالیلرما به چاپ رسید. نسخه انگلیسی این اثر نیز با ترجمه گراهام برچل در سال ۲۰۰۸ از سوی نشر پالگرو منتشر شده است. اما کتاب پیش‌رو با ادبیات دقیق و وسواس قابل‌تقدیری توسط رضا نجف‌زاده ترجمه شده و در سال ۱۳۹۸ توسط نشر نی به چاپ رسیده است. درس گفتارهای فوکو، ادامه یا تکرار اثرهای دیگر فوکو یا حاشیه‌نویسی تازه‌ای بر آنها محسوب نمی‌شود. فوکو در درس گفتارهایش استقلال شکلی و محتوایی خاصی به خرج می‌دهد و ارائه ویژگی‌ها را به نمایش می‌گذارد. سازماندهی منسجم و گرایش به ارائه آکادمیک مطالب، در همه روزهای تدریس فوکو در کالج فرانسه دیده می‌شود. فوکو در راستای درس گفتارهایش تلاش می‌کند پای «سرمایه انسانی» را به عرصه تحلیل‌باز کند و در ادامه به بسط تبیین اقتصادی در قلمروهایی می‌پردازد که پیش از این غیراقتصادی تلقی می‌شدند و در این ایستگاه، فوکو به‌واقع می‌خواهد نشان دهد که نتولیبیرالیسم آن چیزی نیست که نشان می‌دهد. او معتقد است نتولیبیرالیسم؛ آدام اسمیت، جامعه‌مبتنی بر بازار، گولاکى در سوپه پنهان سرمایه‌داری نیست.

چاپ هفتم کتاب «تولد زیست سیاست؛ درس گفتارهای کلژ دو فرانس» اثر میشل فوکو با ترجمه «رضا نجف‌زاده» در ۴۷۰ صفحه به قیمت ۵۶ هزار تومان توسط نشر نی منتشر شده است.

منبع: مهر

چرا علوم انسانی پیشرفت نکرد؟

عبدالحسین خسروپناهمهم‌ترین عامل پیشرفت دانش، کارآمدی و پیوند با جامعه و سازمان‌های اجرایی کشور است. ما به‌عنوان مثال در زمینه نانوتکنولوژی، دانش هسته‌ای، ماهواره، بیوتکنولوژی، صنعت نظامی و... پیشرفت‌های مهمی داشته‌ایم، چون این سنخ از علوم مهندسی و علوم‌پایه با نیازهای جامعه پیوند پیدا کرد و علوم کارآمد شد. از طرفی دانشکده‌های این رشته‌ها با نهادها و سازمان‌های اجرایی ارتباط پیدا کردند، اما علوم انسانی چنین پیوندی را پیدا نکرده است.



جایگاه عدالت و آزادی در فلسفه اخلاق کانت

آزادی پیش شرط عدالت

نشود. محور بحث عدالت کانت، «آزادی بیرونی» است. کانت در مجموعه آثارش از دو نوع آزادی سخن می‌گوید «آزادی درونی» و «آزادی بیرونی». نظریه اخلاقی کانت معطوف به آزادی درونی است؛ درحالی‌که مبحث عدالت و اندیشه وی بر پایه آزادی بیرونی استوار است. کانت آزادی بیرونی را به لحاظ هنجاری و ارزشی به دو قسم «مشروع» و «غیرقانونی» یا «وحشی» تقسیم می‌کند. وی بر آن است که آزادی درست ومشروع، آن آزادی فردی است که در چارچوب قوانین عدالت اعمال می‌شود. اما آزادی قسم دوم را باید در وضع طبیعی سراغ گرفت. بنابراین می‌توان هدف از نظریه عدالت کانت را تلاش برای پشت‌سر گذاشتن این دو قسم آزادی بیرونی (مشروع و وحشی) و ترسیم وضعیتی ارزیابی کرد که در چارچوب آن، آزادی قانونی و مشروع میسر می‌شود. (واعظی، ۱۳۹۳، ۲۱۶)

اصول عدالت و اخلاق، ضروری و مطلق

چنان‌که کانت می‌گوید، امر مطلق، در صورت‌بندی اساسی‌اش از ما می‌خواهد که در هر مورد، به‌گونه‌ای رفتار کنیم و قاعده‌ای وضع کنیم که ظرفیت داشته باشد تا قانونی عام و برای همه باشد. بنابراین امر مطلق، اصل عینی قضیه‌ای ضروری و مقدم بر تجربه و حکم عقل محض است. پیوند نظریه عدالت کانت با فلسفه اخلاق وی، به‌آنچه گفته‌شد منحصر نمی‌شود و جنبه دیگری نیز در این پیوند برقرار است؛ به این معنا که به باور کانت، اصول عدالت نیز مانند

یا غیرمستقیم، به اصل برتر اخلاقی بازگردانده شود و برگرفته از آن باشد. پس این اصول نیز مانند قواعد اخلاقی، امری مطلق، غیر مشروط، ضروری و استنادناپذیرند. اصل مرکزی نظریه به‌دالت کانت، قانونی است که «قانون عمومی عدالت» نامیده می‌شود و در واقع، بیانی خاص از اصل بنیادین اخلاق است که «اصل اخلاقی قانون عمومی» خوانده می‌شود. این اصل اخلاقی، از استوارترین و سختگیرانه‌ترین تقریرها و صورت‌بندی‌های کانت از امر مطلق است. این اصل می‌گوید: «فقط بر طبق قانونی عمل کن که براساس آن تو در آن زمان بخواهی این قانون لزوماً قانونی عام برای همه افراد باشد.»

تقدم آزادی بر حق

کانت آشکارا از تقدم حق «آزادی» بر «خبر» دفاع می‌کند. این تقدم، اصلی مهم در نزد همه لیبرال‌هایی است که خواهان دولت حداقلی هستند؛ دولتی که هم‌ساز با نظریه به حد اکثر رساندن آزادی‌های فردی باشد.

کانت معتقد است ارزش مطلق انسانی، همانا ظرفیت اخلاقی اوست. بنابراین با توجه به سهم اساسی آزادی درونی در فعلیت

بخشیدن به این ظرفیت اخلاقی، وی به این نتیجه می‌رسد که آزادی، سزاینده ارزش، قدر و منزلت انسان است و ارزش درونی جهان وام‌دار وجود این آزادی است. با این توضیح آشکار می‌شود که کانت چگونه وجود و ضرورت آزادی درونی را بر اساس ارزش و اعتبار اخلاق اثبات می‌کند. لکن همان‌طور که در آغاز بحث اشاره شد، محور نظریه عدالت کانت آزادی بیرونی است و ضرورت وجود آزادی درونی، به خودی خود، ضرورت و ارزش آزادی بیرونی را اثبات نمی‌کند. خلاصه‌استدلال کانت چنین است: اگر آزادی مدنی و سیاسی رايك حق بشری بدانیم، این امر با ظرفیت اخلاقی بشر پیوند می‌خورد؛ زیرا از نظر کانت هر جاپای حق به میان می‌آید، به لحاظ اخلاقی، وظیفه یـا وظایفی متوجه فرد صاحب حق می‌شود. پس بدون وجود وظایف اخلاقی، حتی موجود نمی‌شود. از سوی دیگر، کانت تأکید دارد بدون وجود آزادی درونی، وظایف اخلاقی در کار نخواهد بود؛ زیرا آزادی درونی پیش شرط ضروری اخلاق است. بنابراین آزادی درونی پیش شرط ضروری آزادی بیرونی (آزادی مدنی و سیاسی) نیز می‌شود؛ زیرا آزادی مدنی و سیاسی از سنخ حقوق بشری است.

آزادی پیش شرط اخلاق و قانون

کانت مفهوم «حق» که حیطه حقوقی را از حیطه اخلاق فردی متمایز می‌سازد این گونه تعریف می‌کند: «حق، مجموع شرایطی است که تحت آن آزادی بیرونی هر فردی با آزادی بیرونی اراده فرد دیگر مطابق یک قانون کلی آزادی متحد می‌شود.» شرط اساسی اعتبار هر مفهوم اخلاقی و حقوقی نزد کانت حفظ «آزادی» است. کانت عقاید خود درباره حقوق اجتماعی و فلسفه نظام سیاسی را در آثار کوچک و متعددی مانند «ایده‌ای درباره تاریخ عمومی به قصد جهان وطنی»، «نظریه درباره نظام سیاسی» (حقوق یا عدالت) (علیه هابز)، «حقوق ملل» (علیه مندلسون) و «به‌منظور صلح جاویدان» منتشر ساخت. سپس عقایدش درباره امور حقوقی را در بخش اول کتاب «متافیزیک اخلاق» به صورت نظام جامعه‌ای درآورد که تحت عنوان دلائل متافیزیکی اولیه علم حقوق منتشر ساخت. منظور کانت از تالیف این کتب ارائه نظریه‌ای درباره امور حقوقی نیست بلکه موضوع آن را نظام اصول حقوقی تشکیل می‌دهد. (ذاکراده، ۱۳۸۷، ۸۸) قصد کانت ایفای نقش یک قانونگذار حقوقی نیست و قصد ندارد تکلیف یک قاضی را به عهده بگیرد بلکه می‌کوشد اصول پیشین علم حقوق را بیاورد تا هر قانونگذاری هنگام وضع قوانین حقوقی آنها را رعایت کند.



«دعوت به فلسفه» منتشر شد

کتاب «دعوت به فلسفه» اثر ویل دورانت با ترجمه شهاب‌الدین عباسی به قیمت ۳۲۰۰۰ تومان از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه منتشر شد. ویل دورانت در دعوت به فلسفه توضیح می‌دهد ما چرا به فلسفه نیازمندیم. اگر فلسفه به حاشیه افتاده، به این علت است که روح ماجراجویی را از دست داده و جیره‌خوار علوم و دانش‌های دیگر شده است. ما جاری فلسفه مهم‌تر از دانستن مثنی معما و چیستان ذهنی است.



آزادی به‌مثابه عدالت

از آنجا که تملک (مالکیت) وسیله تحقق آزادی است و آزادی خصلت پیشینی خرد است، تملک به‌طور پیشینی اعتبار دارد. به‌علاوه چون نظام حکومتی تملک را حفظ می‌کند، پس آن نیز دارای اعتبار پیشینی است، یعنی دولت به صورت ضروری تشکیل شده است. دولت نه تنها وظیفه حفظ تملک را به عهده دارد، بلکه باید محافظ جسم و جان مردم نیز باشد. البته کانت به تفصیل به موضوع حفظ جسم و جان توسط دولت نمی‌پردازد، زیرا به عقیده او جسم و جان برخلاف تملک اموری اکتسابی نیستند و به این دلیل مشمول حقوق فطری می‌شوند، نه حقوق خصوصی. به عقیده او دولت براساس قرارداد افرادی آزاد به وجود آمده است. این افراد برای حفظ حقوق طبیعی خویش آزادی خود را مطابق قراردادی محدود کردند تا نظام حکومتی برای حفظ آن حقوق تشکیل شود. کانت برخلاف هابز، نظر مثبتی به وضعیت طبیعی ندارد. چون «حق» ضامن و حافظ آزادی و وضعیت طبیعی منفای حق است، رفع وضعیت طبیعی ضرورت عقلاتی دارد. به عقیده کانت خرد انسان، قانونگذار است؛ بنابر این انسان دارای اراده‌ای آزاد است، از این رو آزادی، اصلی پیشین است که خصلت کلی و ضروری دارد، لذا باید در تمام موارد اجتماعی حفظ شود.

مجازات به‌منظور تحقق عدالت

موضوع دیگر مورد بحث کانت، مجازات توسط حکومت است. در قرن هجدهم عقیده غالب بر این بود که مجازات مجرمان به‌نفع جامعه انجام گیرد، زیرا ترسی که ایجاد می‌کند باعث می‌شود دیگران مرتکب جرم نشوند. کانت با رد این عقیده، حکم قصاص را به گونه دیگری توضیح می‌دهد: مجازات به خاطر نفع آن برای جامعه به‌منظور ایجاد وحشت در مجرمان انجام نمی‌شود، بلکه به خاطر «عدالت» صورت می‌گیرد. مجازات و عدالت هر دو ضرورت و کلیت عقلانی دارند؛ زیرا مفاهیم ثابی هستند که به خرد عملی تعلق دارند. (ذاکراده، ۱۳۸۷، ۹۷) لذا دارای خصلت پیشینی و عاری از جنبه تجربی‌اند، چون عدالت جزء صور پیشینی خرد انسان است و چون انسان به خاطر صور پیشینی موجودی اخلاقی است. هدف اصلی مجازات حفظ و تضمین اصول حقوق اجتماعی است. به عقیده کانت، مجازات برای ایجاد وحشت به‌منظور جلوگیری از ارتکاب به جرم یا به‌منظور اصلاح مجرم اهمیت ثانوی دارد.

مشارکت مردم؛ ضرورت عدالت قانونی

کانت در «نظریه نظام سیاسی» یا همان «ایده عدالت»، صراحتاً مشارکت مردم در ایجاد و تصادم قانون را به معنای عدالت می‌داند: «وقتی کسی برای شخص دیگری تصمیم می‌گیرد، همیشه این امکان وجود دارد که مورد او بی‌عدالتی روا دارد. اما احتمال بی‌عدالتی زمانی کاملاً منتهی می‌شود که شخصی برای خودش تصمیم می‌گیرد، از این رو فقط باید اراده متحد و توأم با رضایت همگانی اقدام به قانونگذاری کند؛ یعنی اراده کلی و متحد همه مردم که به موجب فرد، همان تصمیمی را برای همه می‌گیرد که همه برای او گرفته‌اند.»